

● در بازدید بی سرانجام ما از این شهر بی گرانهای که هستی نام دارد اکنون وارد نخستین خانه (خانه وجود خودمان) شده ایم و در این خانه بزرگ که خود به تنهایی شهر غلیم یا کشوری است مشغول بررسی نخستین اطاق، اطاق اسرار آمیز مغزمان بودیم.

کسی خم شده، و به این شیارهای نامنظم که توده خاکستری رنگ مغز را دربر گرفته خیره می شویم.

اوه! مثل اینکه این شکل در مغز ما آشناست، و مانند این شیارها را در جای دیگر نیز دیده ایم.

بله، هنگامیکه از هواپیما به قطعه ای که رودخانه ها و شطوط عظیم بدریا می ریزند نگاه میکنیم نمونه هائی از همین شیارها را که براساس جزر و مد دریا و عقب نشینی و بازگشت آب رودخانه ترسیم شده مشاهده میکنیم.

آبشارهای مغز نیز اثراتی است که جزر و مد اوقیانوس فکرا آنها را در طی قرون داعصار بر صفحه آن ترسیم کرده است؟ و یا تقسیم بندی ظریفی برای مراکز حساس مغز تعیین وظائف آنها است؟

و با خطوط ارتباطی مبینی از بالا - بالای آنها میکندژد... میدانیم.

میدانیم میدانیم که پرده بسیار ظریفی که این توده خاکستری رنگ

را پوشانیده با احتمال قوی محتوی بزرگترین بایگانیهای جهان است آری طبق آخرین تحقیقات دانشمندان مرکز حافظه ما (یا حیضتر کلید حافظه ما) در این پرده نهفته نهفته شده است. و بلرز اعجاب.

آمیزی تمام معلومات و خاطرات و مشاهدات پیشین، و دانشهای ارزشمند و هر گونه، روی این پرده لطیف ترسیم شده اما چگونه و به چه شکلی؟ هیچکس نمی داند برای اینکه بدانیم این پرده



جادوئی چه خدمتی به ما میکند تاوی است پشروز دست به اعتبار نیست.

برند واز یادآوری هر گونه خاطره خودداری کند.

دانشی زندگی ما آرزو چه رنگی خواهد داشت!

پیش بینی وضع آن چندان مشکل نیست.

یک حالت گیجی عجیب، در همه چیز و همه کار - دست ما نقد حال کودکان نوراد - به ما دست میدهد.

همه چیز برای ما ناآشناست و گویا نخستین بار است که آنها را می بینیم!

یک کلمه نمیتوانیم سخن بگوئیم. یک گام بجواییم برداریم تعادل خود را از دست داده زمین میخوریم زیرا رسم راه رفتن را فراموش کرده ایم. و تازه اگر بتوانیم راه برویم نهرامخانه خودمان را بلدیم و نه مرکز کارمان، راس گردان دی هدف باید پرسه برانیم تا بیاییم!

نه تنها دوستان خود را نمی شناسیم، برادر و پدر و مادر و فرزندان ما هم برای ما ناآشنا هستند، و هرچگونه میان آنها و سایر مردم فرق نمیکذاریم چه اینکه حافظه ما از کار افتاده است.

اگر گرسنه شویم نمی دانیم چه چیز باید بخوریم زیرا همه غذاها را فراموش کرده ایم.

و اگر غذائی جلو ما باشد نازدها دهان خود را به رحمت می توانیم پیدا کنیم!

و با این حال تصدیق میکنیم که زندگی چه عذاب الهی برای ما خواهد بود.

هستی معمای

ناصر مکارم شیرازی



اگر صدها نفر را مأمور حفظ بایگانی معلومات و خاطره های خود کنید هرگز باندازه این پرده نازکی که روی مغز کشیده شده نمی توانست شما کمک کنند.



عجیبترین بایگانی های دنیا

ممکن است اینها را فرسوده و بیگ
نوع خیالیاتی تلقی کنید .

ولی در بیماریهای حافظه که
معمولاً گوشه‌های از آن از کار می-
افتند ، و یا اختلال پیدا میکند ،
نمونه زنده حالتی که از فقدان
حافظه به انسان دست میدهد کفلاً
مشهود است .

« کوری ذهنی » یا « الکمی »
یکنوع بیماری روحی است که در آن
حالت ، بیمار نمی‌تواند ، صورت
« بصیرات » را بشناسد و آنچه را با چشم
میبیند برای او ، آشناست !

« کوری ذهنی » نوع دیگری
از این بیماری‌هاست که بیمار در آن
حالت ، ادراکهای سمعی خود
را فراموش میکند و اصوات و کلمات
و آهنگها را اصلاً نمی‌شناسد ، مثلاً
نمی‌تواند صدای ریشش آبر را از
صدای بوق اتومبیل تشخیص دهد ،
نوع دیگری از اختلالات حافظه بنام
« فراموشی لیمی » است که بیمار
شکل اشیاء را از طریق لمس نمی-
تواند بشناسد . مثلاً اگر سکه‌های
دست او بدهند با حس لامسه نمیتواند
آنها را بشناسد و تفاوت آنها مثلاً با یک
مداد تشخیص دهد .

این بیماریهای عجیب که تاکنون
نمونه‌هایی از آن در پارهای از افراد
مشاهده شده وسیع غم‌انگیزی را که
مکتب اسلام

انسان بر اثر اذیت دادن قسمتی از
دستگاه حافظه پیدا میکند ؛ جسم می‌سازد
و شمع و حشمتا کی را که از اختلال تمام
این دستگاه به انسان ممکن است دست
دهد تا حدود حدودی متعکس میکند .

اکنون که سخن از شگفتیهای این
پرده اسرار آمیز به میان کشیده
شد بد نیست به چند موضوع جنالی
توجه کنیم :

طبقه بندی زمانی حافظه
اگر خیال کنیم خاطرات مادر
روی این پرده مانند کتابهایی که در
کتابخانه‌ها در قفسه‌ها می‌چینند رده
بندی شده ، اشتباه است ، نه اینطور
بسیار ، خاطرات و معلومات و
محفوظات ما هر کدام با اسامی دارند ،
و بر طبق تاریخ تولدشان با یکدیگر
میگردند ، یعنی شبکه‌های حافظه روی
نظام معینی تقویم قرار می‌گیرند .

و همین دلیل انسان ، معمولاً قاصده
زمانی خاطره‌های گذشته را با
مراجعه به حافظه خود بخوبی می-
تواند تخمین بزند که مثلاً فلان حادثه
به تازگی روی داده یا یکسال و ده
سال و - ۲ سال پیش .

گاهی که بر اثر بارهای بیماری
های روحی این روابط بهم می‌خورد
و با اصطلاح سیم‌های از تماطلی قفسه
های با رنگانی حافظه جایجا میشود

انسان با وضع ناراحت کننده وقت
انگیزی روبرو می‌شود .
گاهی « حال » را در گذشته
می‌بندارد و چنین خیال میکند
حوادثی را که اکنون میبیند در
گذشته دیده است اما نمی‌داند کجا
و در چه موقع ؟ ...

و یا بکس و غم‌گشته‌ها در « حال »
توهم می‌کند و چنین فکر میکند که
اکنون مثلاً همان کسودگی او است ،
لسانه چون کودکان ادا در می‌آورد
یا نمی‌کند و عیناً همان عکس‌العملهای
حال کودکی را نشان می‌دهد .

این دو نوع بیماری بخوبی نشان
میدهد که اگر تنظیم زمانی شبکه‌های
حافظه بهم نخورد چه در درسی عجیب
انسان پیدا می‌کند .

سرشت یاد آوری
دانشمندان می‌گویند برای یاد
آوری یک خاطره بیش از یک چیز لازم
فائده ، وقت لازم نیست .

حال فکر کنید از میان مایه‌ها
خاطره و حادثه و مطلب که در این
بایگانی عجیب گرد آوری شده بیرون
کشیدن یک خاطره و قرار دادن آن
در برابر « یاد فکر » آنها در یک هزارم
ثانیه ، چه کار خارق‌العاده‌ای است .
فرض کنید دوست عزیز ما دنبال
توجه در صفحه ۷۳

چه نامش ایجاب میکند، اگر از دخالت شدید و مستقیم نفوذ و نفوذ در گفتگوها، بحثها، کاسته شود بسیاری از خصومتها و اختلافها خود بخود کاهش خواهد یافت، چه کشمکشها و نزاعهای بسود که بین افراد و اقوام مختلف بوجود می آید تنها بخاطر آنکه بفرمان نفوذ رفتار میکنند؛ و از این سودجویی ظاهر آشفته خویش، دچار لغزشهای بزرگان واقعی خود دیگران میگردند، و در نتیجه نمیتوانند با نظام و منطق سلیم و بدون غرض منحل مشکلات بسیار درآورند.

امکان دارد چیزهایی که بنظر ما جلوه حقیقت دارد واقعا حقیقت نباشد، چه بامحک عقل و خرد نمیتوان واقعیات را تشخیص داد؛ کسانیکه نیروی پنهانی شان ضعف می شود برای جبران ضعف دید بطنیک متوسل میگردند، اما کسیکه دچار تیرگی عقل است باطنیک نمیتواند آن تیرگی را دفع کند برای طرف ساختن آن باستی بیاطن تسوجه نمود و به توجیه و تحلیل نفس پرداخت.

و همان شیوه ناپسند، مناقشه و بحث کند؛ او در واقع نظرش کشف حقیقت نیست، بلکه میخواهد در زمینه مناقشه، چیرگی و زبردستی و دانش خویش را با ثبات برساند.

بسرای نکه، مرتبه خودشناسی بر سیم نخست لازم است حقائق را از مجرای صحیح کشف کرده و بصحت و درستی آن ایمان کامل حاصل نمائیم، باین ترتیب بهتر بقیه مطلب میرسیم تا بوسیله جدال خشک، هدف اساسی ما باید در درک واقعیات این باشد که نسبت باوری که از کم و کیف آن اطلاع نداریم و بطور سر بسته فهمیده ایم از صورت ابهام و پیچیدگی خارج ساخته و بطور دربان درک کنیم چه؛ آزاد مرد کسی است که حقیقت او را آزاد کرده باشد.

آثار زیان بخش نفوذ در بسیاری از شئون و موارد زندگی حکمفرما خواهد شد که با توجه بان قابل بیشتری را در مبارزه با این آثار روحی با جدیت هر

و تصدیق می کنیم که این همان دوست عزیز ماست.

آیا اگر خاطرات و محتویات حافظه يك نفر انسان بسورت پرونده ای در آید و هر کدام تحت شماره مخصوصی در يك مرکز بزرگ بایگانی شود و مدعا فرمایند رسیدگی و تنظیم آنها داشته هرگز قدرت دارند همه این سرعت يك پرونده را حاضر سازند.

این است معجزه عجیب دستگاه حافظه ما.

(بقیه دارد)

پیش سفر کرده در این ده سال چند حادثه ها، خاطره ها، افراد و مسائل برای ذهن و حافظه مطرح شده و در آن بایگانی گردیده است. تا گویی در خانه را میگویند تا در را باز می کنیم و چشم ما بسورت او می افتد او را می شناسیم و فریادشادی بره می کشیم اما میدانید جمله « او را

می شناسیم » یعنی چه؟ یعنی در يك لحظه برق آسا عکسی را که بوسیله چشم می بینیم با عکسی که از او در میان ملبوتها عکس دیگر در حافظه نگهداری شده، تطبیق کرده

عجیبترین بایگانی دنیا

بقیه از صفحه ۶۸